

گیاه وحشی کوهنم

گیاه وحشی کوهنم نه لاله گلدان
 مرا به برزم خوشیهای خود سرانه مبر .
 بس روی خشن سنگت خو گرفته دلم
 مرا بخسانه مبر
 زادگاه من کوه است .

نذیر سنگی کیت روز سر زدم بیرون
 بزیر سنگی کیت روز میشوم مدفون
 سرشت سنگی من آشیان اندوه است .
 جدا زیار و دیارم ، دلم نمینهد
 زمین طراوت و شادی درنگت و بوی خواه
 بغیر حسرت پر خشم و آرزوی خواه
 گیاه وحشی کوهنم در انتظار بهار
 مرا نوازش و گرمی بگریه میسازد
 مرا بگریه میسازد .